



دروغ علت ، پیامد و درمان طبق متون اسلامی و روانشناسی

ریحانه ملازاده

دانش آموخته ی کارشناسی ارشد رشته روان شناسی مثبت گرا

چکیده

امروزه دروغ به عنوان یکی از عواملی که روابط میان فردی و اجتماع را تهدید می کند بسیار مورد توجه قرار گرفته است و توجه بسیاری از روانشناسان را به خود معطوف داشته است ؛ علمای اخلاق و اسلام هم که سالهای بسیار دور بسیار این رذیله ی اخلاقی ر مورد نکوهش قرار داده اند به طوری که در حدیثی از پیامبر(ص) آمده که : تمام بدی ها در خانه ای قرار دارد و کلید آن دروغ است.¹ این پژوهش به دنبال این سوال اساسی بوده که علت ، پیامد و درمان دروغ در روانشناسی و اسلام چه تفاوت هایی با یکدیگر داشته اند ؛ روش این پژوهش از نوع کتابخانه ای بوده است این تحقیق به صورت بررسی احادیث و تحقیقات روانشناسان انجام شده و گردآوری شده است ، نتایج پژوهش نشان میدهد که دروغ هم در روانشناسی و هم در اسلام مورد بررسی قرار گرفته است ولی نوع نگاهی که هر دو به دروغ دارند با یکدیگر متفاوت است دروغ به عنوان یک بدکارکردی در سیستم مغزی بیشتر در روانشناسی در نظر گرفته شده است اما در اسلام به عنوان یک صفت و رذیله که به فرد افزوده میشود ؛ یکی از علائم دروغگویی مشترک در اسلام و روانشناسی کم شدن حافظه است و از آسیب های دروغگویی می توان به ازدست رفتن اعتبار و اعتماد بین افراد پرداخت و یکی از راه های مشترک برای درمان دروغگویی افزایش عزت نفس است در حدیثی هم از پیامبر اسلام (ص) داریم که می فرمایند: دروغگو دروغ نمی گوید ، مگر به سبب حقارتی که در نفس خود احساس می کند ؛ پس با افزایش و تقویت عزت نفس و پرورش شخصیت میتوان این صفت اخلاقی را برطرف یا کم رنگ تر کرد.

واژگان کلیدی: دروغ ، دروغگو ، روانشناسی ، اسلام



مقدمه:

دروغ گویی یک صفت ناپسند است که بعضی از کودکان و بزرگسالان بدان مبتلا هستند و در میان بعضی چنان شایع است که گویی به صورت عادت تلقی می شود؛ اکثر والدین از این امر شکایت دارند و علی رغم این که تمام امکانات خود را برای تربیت صحیح فرزندشان بکار برده اند و برای راست گویی آنان از هیچ کوششی دریغ نورزیده اند، با این وجود، فرزندشان دروغ می گوید. باید توجه داشت که این لغزش از دوران کودکی پایه گذاری شده است؛ زیرا وقتی کودک در روزهای اول زندگی توانایی سخن گفتن را پیدا می کند و قادر به حرف زدن می شود، حتی اگر دروغ بگوید، چون سخن او برای والدین شیرین است، در نتیجه، با خنده و شادی از او استقبال کرده و او را مورد تشویق قرار می دهند؛ غافل از این که همین امر موجب رشد این نابهنجاری در کودک می شود و بدین سان شخصیت کودک شکل می گیرد.

تعریف دروغ: دروغ، سخن بر خلاف حقیقت است و دروغ گو کسی است که بر خلاف حقیقت، خبری می دهد. این ویژگی ناپسند از صفات سخن است و دروغ گویی از صفات سخن گو و این دو همیشه باهم یار نیستند. یعنی این که می شود سخنی دروغ باشد، ولی گوینده اش دروغ گو نباشد، چنان که ممکن است کسی دروغگو، ولی سخنش دروغ نباشد، بلکه راست و مطابق حقیقت باشد. این صفت مخصوص انسان های دو رو و منافق است که دل و زبانشان با هم یکی نیست.

در عین حال دروغ علاوه بر بعد زبانی شیوه های دیگری همچون اشاره، سکوت، نگارش، تدلیس و زیبا جلوه دادن، تعارف، تعریف با حذف و اضافه، تحریف و کتمان را نیز شامل شود. دروغ معمولاً بیانی خلاف واقع و یا کتمان یک واقعیت است و عملی است که فرد کم و بیش به طور عمدی سعی می کند گفتار یا عمل نادرست را در ذهن دیگران درست و حقیقی جلوه دهد. دروغ در واقع سخن و مطلبی است که مطابق با واقع و حقیقت نیست یعنی بین آنچه که توسط فرد بیان می شود و آنچه در جهان خارج وجود دارد در رابطه منطقی و صحیح وجود ندارد.

در قرآن کریم آیات متعددی در زمینه ی دروغ وجود دارد که در اینجا به چند نمونه اشاره می شود:

«ای کسانی که ایمان آوردهاید، چرا چیزی میگوئید که انجام نمیدهید و نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگوئید و انجام ندهید.»^۲ با توجه به این آیه معلوم میشود که دروغ در نزد خدای متعال ناپسند شمرده شده است و موجب دوری انسان از خدا میشود که این خود عذاب روحی بس بزرگی است و در کنارش عذاب دوزخ را نیز در بر خواهد داشت.

در جایی دیگر از قرآن کریم خداوند متعال میفرماید: «تنها کسانی دروغ پرداز می کنند که به آیات خدا ایمان ندارند و آنان خود دروغگویانند.»^۳ با توجه به این آیه، فرد دروغگو به قدری از سوی خداوند مورد مذمت قرار گرفته که او را بی ایمان معرفی کرده و هیچ فرد بی ایمان مؤمن تلقی نمیگردد.

در آیه ای دیگر می فرماید: «در حقیقت خداوند آن کسی را که دروغ پرداز ناسپاس است هدایت نمیکند.»^۴

۲. سوره صف، آیه ۲

۳. سوره نحل، آیه ۱۰۵

۴. سوره زمر، آیه ۳



در آیات دیگر می فرماید: «دروغگو مستحق لعنت و سزاوار خشم پروردگار عالم است.»^۵

دروغ از منظر قرآن و روایات

دروغ از بدترین معایب، زشت ترین گناهان و منشأ بسیاری از مفاسد است و بالطبع از کارهای زشت و ناپسند و عادت به آن از رذایل اخلاقی و از گناهان کبیره است و تا ضرورت و مصلحت مهمی در میان نباشد، دروغ گفتن جایز نمی باشد. دروغ در دنیا و آخرت انسان را از رحمت الهی محروم می کند و در میان مردم بی اعتبار می نماید و اعتماد عمومی را سلب و جامعه را به بیماری نفاق دچار می سازد و از آفات زبان و خراب کننده ایمان است. علت اصلی دروغ، عقده حقارت و خود کم بینی انسان دروغگو است و این یکی از نکات روانی است که به عنوان روانشناسی اخلاقی در کلمات معصومین به آن اشاره شده است. سرچشمه دروغ نیز گاهی به خاطر ترس از فقر، پراکنده شدن مردم از دور او، از دست دادن موقعیت و مقام و زمانی نیز به خاطر علاقه شدید به مال و جاه و مقام و... است که شخص از این وسیله نامشروع برای تامین مقصود خود کمک می گیرد. ابزار بسیاری از گناهان دروغ است اینکه افراد دروغگو بدبینی و سوء ظن خاصی نسبت به همه کس و همه چیز دارند، با دروغ خود را بزرگ جلوه می دهند، با دروغ هزار گونه تملق می گویند و یکی از راههای درمان دروغ این می باشد که قبل از هر چیز باید، مبتلایان را به عواقب دردناک و آثار سوء معنوی و مادی آن متوجه ساخت و نیز باید متوجه ساخت که اگر چه دروغ در پاره ای از موارد نفع شخصی دارد ولی نفعش بسیار آنی و زودگذر است و یکی دیگر از موثرترین راههای درمان دروغ پرورش شخصیت در افراد و کوشش برای تقویت پایه های ایمان در دل آنان است و باید محیط های تربیتی و معاشرتی مبتلایان را از وجود افراد دروغگو پاک کرد تا تدریجا طبق اصل محاکات و تاثیرپذیری محیط وجود آنها از این رذیله پاک گردد.

در سراسر جهان هستی قانون صداقت و صراحت و حقیقت جاری است. هر چند به حسب ظاهر در عالم هستی تضادها و تعارض هایی دیده می شود ولی دروغ و خیانت در طبیعت اصلا وجود ندارد. اصولا حقایق ناب را در طبیعت و هستی باید جستجو کرد و از زبان آفرینش باید شنید. مگر جز این است که تمام قوانین علمی و فلسفی برداشتی است نسبی از جهان هستی و قوانین حاکم بر آن و طالبان حقیقت همه و همه در اسرار هستی می اندیشند و از آن الهام می گیرند و جز با هستی و قوانین حاکم بر آن سروکاری ندارند؟

خلاصه کلام آنکه بنای خلقت و طبیعت بر حقیقت و راستی استوار است، لکن این انسان ظالم و ستمکار است که حق را با باطل به هم آمیخته و آن را وارونه جلوه می دهد، زیرا باطل محض را نمی شود به مردم ارائه داد که طبع حقیقت جوی مردم خود به خود آن را دفع می کند. خداوند سبحان چه با زبان تکوین و چه با زبان تشریح با صداقت و راستی با بندگانش سخن می گوید و می فرماید که صداقت برای شما بهتر است. (علی) ع (در نهج البلاغه می فرمایند) «ولکن یُوخَدُ مِنْ هَذَا ضِغْثٌ وَ مِنْ هَذَا ضِغْثٌ فَيَمِزْ جَانِ...»^۶ مردم قسمتی از حق و قسمتی از باطل را گرفته و در هم می آمیزند و از این راه، باطل

^۵.سوره نور، آیه ۷

^۶ نهج البلاغه صبحی صالح خطبه ۵۵



را به خورد مردم می دهند. یکی از محرمات و آفت های خطرناک زبان، دروغ گفتن است و دروغ از گناهان کبیره می باشد.⁷

دروغ دارای مراتبی است که بعضی از آنها قطعا کبیره و برخی بزرگترین کبائر هستند. ولی کبیره بودن و برخی از آنها مشکوک است. البته برخی از فقهای بزرگ مانند شهید ثانی (ع) دروغ را به طور کلی از گناهان کبیره دانسته اند، برخی از مراتب دروغ ذکر می شود.

۱- دروغ بر خدا و پیغمبر و امام: بدترین مراتب دروغ، دروغ به خدا و پیغمبر و امام است. حضرت صادق (ع) فرمود: الکذب علی الله و علی رسوله من الکبائر؛ دروغ بر خدا و رسول از گناهان کبیره است. و نیز حضرت باقر (ع) به ابونعمان فرمود: «لا تکذب علینا کذبہ فتسلب الحنیفہ؛ یک دروغ هم از قول ما مگو، زیرا که آن دروغ تر از دین حنیف اسلام خارج می کند.» یعنی به واسطه این دروغی که به ما بستی نور ایمان از دلت می رود و اگر این قسم دروغ در حال روزه باشد در صورت عمد موجب بطلان روزه هم می شود. دروغ بر پیغمبر و امام آنست که حدیثی را بسازد و به آنها نسبت دهد یا حدیثی از کسی بشنود یا در کتابی ببیند و با اینکه می داند دروغ است به امام یا پیغمبر نسبت دهد. اما احادیثی که در کتابها موجود است و واقعا نمی داند آیا قول امام است یا نه، در صورتی که آن حدیث مخالف ضرورت دین و مذهب نباشد و نیز موجب هتک مقام امام (ع) هم نباشد و به واسطه سبکی آن، عقل سلیم از پذیرفتنش نداشته باشد، نقل کردن چنین اخباری با استناد به کتابی که در آن دیده جایز است. بنابر احتیاط از هر کتابی که می بیند نقل نکند بلکه از کتاب هایی نقل کند که به نوشته اش اعتماد و مؤلفش را به تقوی و ورع شناخته و کمال و ثوق را به او داشته باشد. در نامه حضرت امیرالمومنین به حارث همدانی است که: «ولا تحدث الناس بکل ما سمعت فکفی بذلک کذبا؛ نقل مکن برای مردم هر چه را که شنیدی که همین (بی مبالاتی در نقل) کافی است در دروغگویی» (نهج البلاغه) و اما نقل به مضمون حدیث نه الفاظ آن، در صورتی جایز است که نقل کننده دارای قوه فهم عربی بوده و مزایای کلام را بفهمد، پس مضمون و خلاصه مراد حدیث را که دلالتش آشکار است نقل نماید با تصریح به اینکه مضمون حدیث این است. اما زبان حال، به صورت شعر یا نثر، اگر منافعی با مقام امام (ع) نبوده و واقعا زبان حال باشد یعنی حال امام (ع) در آن وقت طوری بود که ترجمان آن این کلمات یا این اشعار باشد، مانعی ندارد. ولی باید معلوم باشد که زبان حال است نه نقل قول امام (ع)

۲- ترجمه نادرست هم دروغ است: معنی دروغ به خدا و پیغمبر این است که مطلبی را به دروغ به ایشان نسبت دهد خواه در امر دین باشد یا دنیا مثلا بگوید: خدا به فلان پیغمبر چنین وحی فرستاده و مثل اینکه جمله ای که از قرآن نباشد به قرآن نسبت دهد یا اینکه آیه قرآن را ترجمه به خلاف نماید. لذا کسانی که می خواهند روی منبر یا میز به خطا یا جای دیگر قرآن را ترجمه نمایند بدانند که در معرض خطر بزرگی هستند. از جمله موارد دروغ بر خدا آن است که شخص دروغی بگوید و برای اثبات آن بگوید خدا شاهد است یا می داند که راست می گویم. حضرت صادق (ع) فرمودند: «من قال علم الله ما لا يعلم اهتز له اعظاما لله عزوجل؛ در آن حال عرش الهی برای تعظیم جلال حق تعالی به لرزه در می آید» و در

⁷ آیت الله محمد رضا مهدوی کتی نقطه هایی آغاز در اخلاق عملی



حدیث دیگری فرمود: که «ذا قال العبد علم الله و كان كاذبا قال الله تعالى اما وجدت احدا تكذب عليه غيري؛ خداوند می فرماید آیا جز من کسی را پیدا نکردی که بر او دروغ ببندی.» (وسائل الشیعه کتاب الایمان، باب ۵)

۳- سوگند و شهادت و کتمان: یکی از مراتب دروغ که شکی در کبیره بودنش نیست، قسم دروغ و شهادت دروغ و کتمان شهادت است.

۴- تهمت: نسبت دادن عیبی به کسی که آن عیب را نداشته باشد؛ نظیر نسبت زنا به زن عقیفه و یا مرد عقیف و نظیر نسبت سرقت به کسی که سرقت نکرده باشد و نظیر این ها و به آن «تهمت» هم می گویند و این قسم علاوه بر این که دروغ است، غیبت نیز می باشد و در روایات آمده است کسی که تهمت بزند، در روز قیامت او را بر تپه ای از چرک و خون که صورت برزخی آن تهمت است، نگاه می دارند تا مردم از حساب فارغ شوند. این قسم از دروغ از گناهان کبیره است.

۵- دروغ مفسده دار: از اقسام دروغ که مسلما گناه کبیره است، هر دروغی است که در آن مفسده و زیان باشد و البته هر چه مفسده و زیان آن بیشتر باشد بزرگی گناهش و شدت عقوبتش شدیدتر است و گاه می شود دروغی سبب تلف شدن اموال و ریخته شدن آبروها و خون ها می گردد.

۶- دروغ از روی مزاح و شوخی: از اقسام دروغ دروغ هایی است که از روی هزل و مزاح و شوخی برای تفریح و خنده و غیره گفته می شود مثل اینکه به شخص ساده لوح خوش باوری بگوید فلان شخص امشب تو را به مهمانی دعوت کرده است یا فلان مال را به تو حواله نموده و نظایر اینها. برخی از فقها صریحا به حرمت این قسم فتوی داده اند و بعضی از فقها فرموده اند: جایی که نشانه ای بر نبودن قصد جدی در کلام وجود دارد، شوخی حرام نیست و جایی که نشانه ای وجود ندارد به گونه ای که مخاطب متوجه نمی شود که این کلام واقعیت ندارد و شوخی است، حرام است. بنابراین در مورد این مسئله، هر کس باید به نظر مرجع تقلید خود مراجعه کند.

۷- روای جعلی: حضرت رسول (ص) فرمودند: «بزرگترین دروغ ها سه دروغ است: اول دروغ بستن به من با این که چیزی را نگفته ام به من نسبت دهد. دوم دروغ در رویا با اینکه خوابی را که ندیده به دروغ نقل کند. سوم مردی را به غیر پدرش نسبت دهد.» (بحار الانوار ج ۷۵، ص ۴۲)

باید دانست همانطور که دروغ بر دروغگو حرام است، نقل کردن دروغ دیگری و همچنین ثبت کردن دروغ و نوشتن یا خواندن و گوش دادن به آن هم حرام می باشد. قرآن کریم در چند مورد در نکوهش یهود و منافقان می گوید: «سماعون للکذب؛ بسیار به دروغ گوش می دهند» و شیخ صدوق از حضرت صادق (ع) روایت کرده که از آن حضرت پرسیدند آیا گوش دادن به قصه گو حلال است؟ فرمود: نه، هر کس گوش به سخن گوینده ای بدهد او را پرستیده، پس اگر از خدا سخن گوید، یعنی راست و حق سخن گوید، گوش کننده خدا را پرستیده و اگر از ابلیس سخن گوید، یعنی دروغ و باطل بگوید، ابلیس را پرستیده است.⁸

در سن سه یا چهارسالگی همه ی ما شروع به دروغ گفتن میکنیم. در این نقطه از توسعه ی مغزمان یاد میگیریم که چه ابزار همه کاره و قدرتمندی در اختیار خود داریم (زبان) و میتوانیم از آن برای بازی کردن با واقعیت استفاده کنیم و بر پیامدهای

⁸ www.tahoor.ir.



حاصل از اتفاقات دنیای بیرون تاثیر بگذاریم. البته دیر یا زود هم یاد خواهیم گرفت که دروغ گفتن بد است و نباید این کار را انجام دهیم. با این حال همه ی ما گاهی دروغ میگویم. اما موضوع این جاست که برخی افراد به صورت بیمارگونه دروغگو هستند؛ به این معنا که نمیتوانند انتشار اطلاعات غلط در مورد خود و دیگران را متوقف کنند. علت روانشناختی اینکه چرا برخی افراد به این صورت دروغگو هستند، مقداری راز آلود است. اما دروغگویی نشانه ای از اختلالات شخصیتی مانند سایکوپاتی (روان آزاری-روانپریشی) و خودشیفتگی در نظر گرفته شده است؛ یعنی دروغ به عنوان یکی از علامات اختلال های شخصیتی مثل ضد اجتماعی، نمایشی و افرادی که تکانشی عمل می کنند در نظر گرفته می شود.

الف) علل دروغگویی

در روانشناسی

جویدث ارولف نویسنده ی کتاب *The Empathy's Survival Guide* میگوید: من فکر میکنم که این مسئله ناشی از نقصی در ارتباطات عصبی موجود در ساختار مغزی باشد، یعنی مشکلی در همان بخشی که موجب میشود ما همدلی و دلسوزی داشته باشیم. از آن جایی که اختلال افراد دارای حالت خودشیفتگی، ضداجتماعی و روانآزاری با عنوان ناهنجاریهای کمبود همدلی شناخته میشود؛ پس یعنی این نوع افراد قادر به احساس همدلی به شیوهی ما نیستند؛ دروغگویی بیمارگونه ناشی از **نقصی در بخشی از مغز** است که موجب میشود ما همدلی و دلسوزی داشته باشیم.

حقیقت برای افراد خودشیفته اهمیتی ندارد. زمانی که دیگران برای شما اهمیتی نداشته باشند، دروغ کار بدی به نظر نمیآید. نبود همدلی عملا به مفهوم فقدان وجدان است.

ارولف گفت: وقتی آنها دروغ میگویند، این موضوع طوری که باعث آزار ما میشود، آنها را اذیت نمیکند. بسیاری از مردم درگیر ارتباط با این نوع افراد می شوند در حالیکه علت کار آنها را درک نمی کنند و در تلاش اند که آنها را درون استانداردهای معمول همدل بودن بگنجانند؛ اما مشکل این جاست که آنها با این استانداردها سازگار نیستند. در حقیقت ممکن است حتی در نیمی از مواقع متوجه نشوند که دارند دروغ میگویند؛ زیرا نسبت به آن آگاه نیستند. آنها واقعا در بیشتر مواقع باور دارند که در حال گفتن حقیقت هستند. البته از علت های ناخودآگاه پشت صحنه این کار تمایل به داشتن حس قدرت در برابر دیگران است. این موضوع برای افرادی که دارای شخصیت بسیار حساس و نفوذپذیری هستند، بسیار خطرناک است؛ زیرا آنها شخصیت های خودشیفته را به سمت خود جذب میکنند. این افراد روزی که متوجه دروغ های او بشوند، تلاش میکنند علت آن را بفهمند و یا خود را مقصر میدانند. شخصیت های بسیار حساس، افراد خودشیفته را به خود جذب میکنند؛ قدرت زیاد یک رابطه در این است که شما بتوانید حقیقت را به دیگری بگویید و به هم اعتماد کنید و این درحالی است که به افرادی که دچار حالت روانی دروغگویی هستند، نمیتوان اعتماد کرد. شما نمیتوانید زندگی خود را روی آنها پایهگذاری کنید. این چیزی شبیه یک کمبود روانی است و پاسخگویی ندارد. فردی که این مشکل را دارد درمورد کار خود معذرتخواهی نمیکند. آنها میگویند تقصیر خودتان است. تنها راه برای فرار از چنگال یک بیمار دروغگو این است که بهاندازهی کافی قوی باشید تا بتوانید بگویید این تقصیر من نیست، این به نظر من حقیقت ندارد و من واقعا نمیتوانم به شما اعتماد کنم؛ از آن جایی که این نوع دروغگوها بسیار زیرکانه عمل میکنند و بهتدریج دامنهی دروغها



گسترش مییابد، بیشتر مردم در مورد خودشان تردید میکنند. در ابتدا ممکن است با یک دروغ کوچک بیخطر آغاز شود و چند ماه بعدتر زندگی فرد قربانی به علت دروغهای بیشماری که به هم بافته شده است، آشفته خواهد شد. اگر کسی دروغ میگوید، عذری را از سوی او نپذیرید. دروغ، دروغ است و اگر شما آن را به روی افراد آوردید و آنها گفتند تقصیر شما است یا اینکه ادعا کردند چنین چیزی نبود است بدانید که این وسط یک چیز اشتباهی وجود دارد. افراد مبتلا به بیماری دروغگویی در بیشتر مواقع باور دارند که دارند حقیقت را میگویند؛ دروغگویان تکانشی لزوماً آدم های بدی نیستند.⁹

لیندا بلر که نویسنده ی کتاب های روانشناسی است میگوید: درجه تأملی- تکانشی بودن در ژنهای ما نهان است و این برای یک فرد بسیار تکانشی، بسیار سخت است که زمانی را برای فکر کردن در نظر بگیرد، درست همانطور که برای یک فرد تأملی پریدن مستقیم درون یک موضوع و بدون تأمل، یک چالش محسوب میشود. فرد تکانشی قدرت مرتب کردن مسائل را ندارد و تصور مرتب کردن مسائل برای او وحشتناک است پس کاملاً بدون فکر عمل میکند. چنین فرد به محض اینکه فکری به ذهنش برسد، همان را خواهد گفت و البته این حالت لزوماً به مفهوم دروغگویی نخواهد بود. فقط برای چنین فردی اجتناب از دروغگویی نسبت به فردی تأملی، دشوارتر است. دروغگویی بیمارگونه و خودشیفتگی واژههایی معادل نیستند، آنها فقط مواردی هستند که گاهی دست به دست میدهند. در برخی موارد دروغگوهای تکانشی شاید قابلیت توقف این کار را نداشته باشند. بلر میگوید فقط لازم است که آنها یاد بگیرند هیجانها و اجبارات درونی خود را کنترل کنند؛ دروغ آنها لزوماً از جای بدی نمیآید. من فکر میکنم آنها فقط نمیدانند چگونه با این حالت باید برخورد کنند. ما تصور میکنیم که این حالت احتمالاً ارتباطی با عملکرد مغز و شیوهای که مغز افراد کار میکند، دارد البته فعلاً در مورد این موضوع اطمینان کافی نداریم.

دروغ گویی مانند سایر بیماری های روانی و عاطفی، ابتدا از یک مساله ساده کوچک آغاز می شود و چنان چه به موقع درمان نشود، به یک بیماری روحی تبدیل می شود که مشکلات بسیاری را برای فرد مبتلا و دیگران فراهم می سازد. بعضی از این علل به شرح زیر است:

الف) ترس: ترس از مجازات، خدشه دار شدن آبرو، یا هر چیز دیگر، یکی از مهم ترین علل دروغگویی در کودکان و بزرگسالان است. در این خصوص، روی کودکان شش تا چهارده ساله تحقیقاتی صورت گرفته، که در نتایج آن آمده است. (ترس ۷۱٪، غرور یا خودخواهی ۱۷٪، آزار گری و شیطنت ۱۰٪ و دیگر خواهی (نوع دوستی) ۲٪) (بالایان، ۱۳۷۰)

همانطور که می بینید، ترس بیشترین درصد دروغگویی در کودکان را تشکیل می دهد؛ زیرا اگر کودک بداند چنانچه به خطای خود اعتراف کند، مورد سرزنش، تحقیر و احیاناً تنبیه قرار خواهد گرفت، به ناچار برای حفظ آبروی خود به دروغ پناه می برد. این امر، خصوصاً در خانواده هایی رایج است که معتقدند تحقیر، تنبیه و رفتارهای خشونت آمیز تنها راه جلوگیری از انحراف کودک است. در حالی که این روش ها، نه تنها مؤثر نیست، بلکه موجب می شود ترس کودک به تدریج از بین برود و او رفتارهای خلاف خود را با جرات بیشتری انجام دهد.

⁹ .www.zoomit.ir



«ژان پیاژه» روان شناس سوئیسی در این باره می نویسد: «دروغ برای کودک یک نوع فرار از حقیقت است. اگر کودک خود را در اجتماع و خانواده، فرد محترمی بداند و آزادی عمل داشته باشد، برای چه با دروغ گفتن به خانواده اش خیانت کند. کودک با سختگیری های زیاد، از افراد خانواده فاصله می گیرد و خود را از آن ها جدا می داند؛ زیرا می بیند اگر راست بگوید، او را تنبیه می کنند»

اگر والدین یا مربیان از خلاف های جزئی کودکان چشم پوشی کرده و با مهربانی و صمیمیت اشتباهات شان را به آنها گوشزد کنند، در این صورت، کودکان هیچ گاه به دروغ گویی متوسل نمی شوند.

ب) اجبار: اگر با اجبار از کودکی خواسته شود کاری را که مورد علاقه اش نیست، انجام دهد، یا آن کار را سرسری انجام می دهد، یا به دروغ وانمود می کند که آن را انجام داده است و اگر این فشار و اجبار بیش از حد باشد، کودک در غیاب والدین یا مربیان ممکن است بر خلاف دستورات آنها عمل نماید که این امر باعث می شود که او به طرف فساد کشیده شود؛ باید برای انجام هر کاری که از کودک می خواهیم، پیش از آن که به اجبار و تهدید متوسل شویم، میل، رغبت و انگیزه ای در او ایجاد کنیم تا با لذت و احساس رضایت به انجام آن کار پردازد.

ج) الگوهای نامناسب: اگر در خانواده ای، والدین یا کسانی که با کودک زندگی می کنند، دروغ بگویند، ناخودآگاه و به طور غیر مستقیم زمینه دروغ گویی را برای کودک فراهم ساخته اند، در واقع اولین درس دروغ گویی را کودک از آنها خواهد آموخت؛ زیرا خانواده اولین محیط تربیتی کودک محسوب می شود و گفتار، رفتار و به طور کلی طرز زندگی والدین در تربیت فرزندان بسیار مؤثر است. فرزندان بدون توجه و اراده، بر اساس همانند سازی با اطرافیان، آن چه را که می بینند و می شنوند، تقلید می کنند و یاد می گیرند. تلاش این خانواده ها برای جلوگیری از دروغ گویی بی اثر است؛ زیرا تا والدین خود اصلاح نشوند، هر گونه اقدامی در این زمینه بی اثر خواهد بود.

د) احساس حقارت: کودکی که در خانواده یا محیط های دیگر، دائما مورد تحقیر، سرزنش، بی اعتنائی و تمسخر قرار می گیرد، از هیچ کوششی برای نشان دادن خود دریغ نمی ورزد. او تلاش می کند تا به هر نحوی که ممکن است توجه اعضای خانواده و اطرافیان را به خود جلب کند. از این رو، به رفتارهای مختلفی از جمله دروغ گویی دست می زند؛ زیرا این امر سبب توجه دیگران به او خواهد شد. این کودکان دچار ضعف شخصیت هستند و احساس حقارت دارند. آنها برای رهایی از این احساس و ابراز وجود، به غلو در مورد خود می پردازند و اغلب درباره خود، دیگران و حوادث، دروغ های باورنکردنی می گویند. همچنین وعده هایی می دهند که قدرت انجام آن را ندارند. البته تمام این کارها را برای این انجام می دهند تا در حضور دیگران مورد تمجید و تقدیر قرار گیرند؛ زیرا این عمل سبب می شود تا در ذهن خود احساس قدرت کنند. همچنین عده ای از کودکان یا افراد به دلیل داشتن عیوب جسمی، نام نامناسب (خود یا خانواده)، وضعیت نامطلوب خانوادگی و... احساس شرمساری می کنند و چون می ترسند مورد تمسخر واقع شوند، به دروغ پناه می برند؛ باید به شخصیت کودک احترام گذاشت و او را مورد توجه و محبت قرار داد.

همچنین شایسته است کودکان را با ارزش های واقعی و انسانی آشنا کرد تا دست کم مسائل جزئی و بی ارزش موجب دروغ گویی و انحراف آنان نشود.



ه) نیازهای ارضا نشده: عده ای از روان شناسان معتقدند که بعضی از دروغ ها نشان دهنده نیازها و تمایلات ارضا نشده است؛ زیرا بعضی از دروغ هایی که ما را متعجب می کند، از تخیلات سرچشمه می گیرد. دروغ هایی که نشان دهنده حقیقتی می باشند که کم و بیش تغییر یافته است. به هر میزان نیازهای ارضا نشده بیشتر باشد، احساس کمبود در کودک قوی تر است و برای جبران این احساس، بیشتر به دروغ گویی می پردازد. این امر در خصوص کودکانی که کمتر مورد محبت و توجه والدین قرار می گیرند، بیشتر صادق است. برای مثال:

«پرویز پنج ساله، خواهر دو ساله ای دارد که هر وقت او را تنها می بیند، محکم نیشگونش می گیرد. در نتیجه، خواهرش فریاد می زند. مادرش به محض شنیدن فریاد او، با عجله خود را به آنها می رساند. پرویز طوری رفتار می کند که چیزی از ماجرا نمی داند و به مادرش می گوید: گریه و فریاد خواهرم برای این است که او دختر مودی است، ولی من مهربان و مؤدب هستم. سپس خود را به مادرش نزدیک می کند تا مادرش او رانوازش کند.» (سروری، ۱۳۷۱) روانکاوان معتقدند که در این جا دروغ و تظاهر، ناخودآگاه با هم تلفیق شده اند و دلیلش هم آن است که تولد خواهر، سبب محرومیت پرویز از محبت مادری شده، در نتیجه، پرویز سعی می کند آن را به هر وسیله ای که شده دوباره بدست آورد. توجه به نیازهای معقول کودک و ارضای مطلوب آن ها، سبب می شود تا کودک کمتر از راه های نادرست نیازهای خود را برآورده سازد و نیازی به دروغ گفتن نداشته باشد.

-در متون دینی

الف) ریشه های روانی دروغگویی در سنین کودکی: دروغگویی کودکان، نوعی ناسازگاری و نابهنجاری است. گام نخست در راه اصلاح و بازسازی این رفتار کودک، شناخت علت و عامل کارهای اوست؛ یعنی باید دریافت کودک چرا دروغ میگوید و انگیزه او در این کار چیست؟ علل دروغگویی در کودکان میتواند موارد زیر باشد:

یک - تخیل: کودکان مسائل بسیاری را به زبان می آورند و آنها را حقیقت می دانند، در حالی که خیالی بیش نیست. قدرت خیالپردازی کودکان بسیار بالا است. آنان تصاویری را در ذهن خویش میپروارند و بعدها به صورت تصویری نیرومند در میآورند، چنان که گویی صحنه موجود در خیالشان را در برابر چشم خود میبینند. بر این اساس، آنچه کودک میگوید، اگرچه در ظاهر دروغ است، از نظر کودک درست و حتی عین واقع است. او این نارسایی را دارد که میان عالم حقیقت و پندار تفاوتی نمیگذارد و به همان گونه که مسائل را در ذهن میپندارد، به زبان می آورد.

دو - آرزو و رؤیا: گاهی کودک آرزوی داشتن چیزی را در دل میپروارند، از شدت میل و علاقه در رسیدن به آن، خود را دستیافته بدان و در آن عالم گمان میکند. این امر در روزها و لحظه های نخست، برای کودک صورت واقعی ندارد، ولی بعدها شدت آرزو و تلقین، او را و میدارد که مسائل خود را واقعی بپندارد و آن را بیان کند؛ امری که گاه ما دروغش میپنداریم. گاهی نیز بیان مسئله گرچه دروغ است، ولی گوینده آن را ارضا میکند. او آن قدر مسئله مورد آرزو را بر زبان میآورد تا بدان برسد یا از گفتن آن سیر شود. بر این اساس، گفتن چنین دروغی، آرزومندی کودک را نشان میدهد.

سه - بی اعتمادی: گاهی کودک به والدین بی اعتماد است و گاه با مریبان خود ارتباط خوبی ندارد. به عنوان نمونه گمان میکند آنها رازهای او را برملا میسازند و آبروی او را میبرند یا فکر میکند اگر حقیقت را بگوید، به نتیجه دلخواهش نمیرسد



یا نزد دیگران خوار و حقیر میشود. پس تصمیم میگیرد دروغ بگوید. مادری که راز کودک را از روی مصلحتی به پدر میگوید و پدر هم ناشیانه آن را به رخش میکشد، اعتماد کودک را از خود سلب میکند. بدین ترتیب، کودک از این پس خود را ناگزیر مبیند که حقیقت را به مادر نگوید و به دروغ متوسل شود.

چهار - ترس: گاهی کودک دروغ میگوید؛ زیرا از راست گفتن و پیامدهای آن میهراسد. او میترسد اگر راست بگوید، کتک بخورد یا مورد سرزنش و اهانت قرار گیرد. برای نمونه، از برادر یا خواهر کوچکش بیزار است، یا از غذایی بدش میآید، ولی از اینکه آن را به زبان آورد، وحشت دارد. میترسد پدر و مادرش او را از خود برانند یا محبتشان را از او بگیرند. زمانی که خطایی از کودک سر میزند، از آن جا که می-داند پدر و مادر از او نمیگذرند و تنبیهش میکنند، او نیز برای فرار از تنبیه، خطایش را انکار میکند یا به دروغ، اشتباهش را به اطرافیان نسبت میدهد.

پنج - آزمایش والدین: گاهی دروغگویی کودک، برای آزمایش والدین یا مربیان است. او میخواهد ببیند آنها در برابر دروغ او چه واکنشی نشان میدهند. بدین ترتیب، کاری را که انجام نداده، به دروغ میگوید انجام دادهام. در اینجا اگر پدر و مادر حرفی نزنند، او به مراد خود رسیده و کاری را که تا پیش از آن انجام نمیداده، انجام میدهد. حال اگر والدین از شنیدن آن خشمگین شوند، او با لبخند خواهد گفت، شوخی کرده و این کار را انجام نداده است و از تنبیه خواهد گریخت. شش - جلب توجه: گاهی در میان جمعی از مهمانان، معمولاً کودک فراموش میشود، همه سرگرم کار و تلاش یا صحبت هستند، بدون اینکه به یاد بیاورند دل کوچکی هم در کنارشان میتپد و انتظار شرکت در بحثشان را دارد. در این هنگام کودک برای اینکه جلب نظر کند و به گونهای وارد صحنه شود، به دروغپردازی متوسل میشود؛ آن هم دروغی بزرگ و اغراقآمیز یکباره خبر تلخی را میدهد. سخنی میگوید که همه با دیده تعجب به او نگاه و حرف و کار خود را رها میکنند. هفت - بدآموزی: کودک دروغ بلد نیست و آن را از اطرافیان میآموزد. در این میان، بیش از هر کس، والدین و دوستان کودک در یادگیری دروغ او مؤثرند. آنها با عمل نادرست خود زمینه دروغ را در کودک فراهم میکنند و به آن وا میدارند. برای مثال، گاهی طفل به اسباب بازی یا غذایی معین نیاز دارد و آن را از والدین خود میخواهد. والدین نیز در این هنگام شرط برآورده شدن آن را در گرو این امر قرار میدهند که طفل بگوید من خواهر کوچکم را دوست دارم، درحالی که برای ایجاد زمینه برای دوست داشتن خواهر کوچک، راه دیگری وجود دارد. (قائمی، ۱۳۷۴)

(ب) ریشه های روانی دروغ در بزرگسالی علل روانی دروغ در بزرگ سالان میتواند موارد زیر باشد:

یک - ترس از فقر: گاهی انسان به خاطر ترس از فقر، پراکنده شدن مردم از او و از دست دادن جایگاه و مقام دروغ میگوید. دو - حب جاه و مقام: زمانی از روی علاقه شدید به مال و جاه و مقام و دیگر شهوتها زبان به دروغ میگشاید و از این وسیله نامشروع برای تأمین هدف خود کمک میگیرد.

سه - غلبه هوای نفس: گاهی تعصب های شدید و حب و بغضهای بیش از اندازه و غیر الهی سبب میشود انسان به نفع فرد دلخواهش یا به زیان کسی که از او نفرت و کینه دارد، برخلاف واقع سخن بگوید.

چهار - فخر فروشی: زمانی برای آنکه خود را بیش از آنچه هست نشان دهد و اظهار دانش و آگاهی بسیار کند، در مسائل مختلف علمی و تاریخی دروغ میگوید.



پنج - ضعف ایمان و کمبود عزت نفس: همه این عوامل که زمینه ساز صفت دروغ در آدمی هستند، از شخصیت ناسالم و ناتوانی روح و ضعف ایمان و کمبود عزت نفس ناشی میشوند. کسانی که خود را باور ندارند و روحشان ناتوان و زیون است، برای رسیدن به هدفهای خود و فرار از زیانهای احتمالی راستگویی به دروغ و دورویی و خیانت پناه میبرند. در مقابل، افراد توانا و آراسته به شخصیتی محکم و مطمئن، به خود و توانایشان ایمان دارند و پیروزی و نیکبختی خود را در آنها میجویند. همچنین کسانی که به قدرت لایزال الهی ایمان دارند و سرچشمه همه برکتها و کامیابیها را در گرو اراده نافذ او میدانند، قدرت او را برتر از همه قدرتها و حمایت او را بالاترین حمایتها شناخته اند و دلیلی نمی-بینند که برای رسیدن به سود یا دفع زیان، دروغ پردازی کنند.

شش - غفلت از زیان های دروغ: گاهی نیز به سبب توجه نکردن به زیانهای دروغ و از یاد بردن اهمیت راستگویی یا آلودگی محیط خانوادگی یا محیط اجتماعی و معاشران، این ویژگی ناپسند در انسان ریشه می‌دواند

هفت - کمبود شخصیت: عامل مهم دیگر برای دروغگویی، احساس کمبود شخصیت و عقده خودکمبینی است. کسانی که به چنین عقده‌های گرفتارند، میکوشند با انواع دروغ‌ها و گزاف‌ها، خودکم بینی را که در خود احساس میکنند، جبران سازند. پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «دروغ گو، دروغ نمی گوید، مگر به سبب حقارتی که در نفس خود احساس می کند»^{۱۰}. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸)

دروغگو	های	نشانه	(ب) علایم
روانشناسی			در-
دروغگویی	هنگام	در	که
		داد	نشان
			مطالعات
			۱- فشار خون افراد و کارکردهای بدنی شان افزایش می یابد. یعنی به طور کلی دروغگویی بر حرکات افراد نیز تاثیر می گذارد؛ برای مثال اگر توجه کرده باشید در برخی از موارد افراد دروغگو اعضای صورت خود را لمس می کنند آنها اغلب بینی، لب‌ها و یا گوش خود را لمس می کنند. اگر توجه داشته باشید در چنین شرایطی فرد گوینده از نگاه کردن مستقیم به چشمان شما خودداری می کند، زیرا آنها دوست دارند از خیره نگاه کردن سرباز زنند و مسیر حرکت چشمان خود را دائما از جایی به جای دیگر جابجا کنند. همچنین اگر می بینید که فرد گوینده بیش از حد خیره خیره به چشمان شما نگاه می کند و نگاههایش مظنون است، این خود می تواند نشانه دیگری از عدم صداقت وی باشد.
			۲- نقطه مقابل هر فرد پر نفوذترین مکان ارتباطی به شمار می رود به همین دلیل وقتی فردی اقدام به دروغگویی میکند ناخودآگاه سعی می کند در میدان دید مخاطب قرار نگرفته و سعی می کند که در زاویه (گوشه) قرار بگیرد.
			۳- افراد دروغگو تمایل دارند دستانشان در خارج از میدان دید مخاطب قرار بگیرد و بطور معمول کف دست این افراد دیده نمی شود.
			۴- اظهارات آنها به نظر بسیار سفت و سخت و قاطع می رسد و به موازات آن سعی می کنند میزان حرکات بدنی شان را حداقل



برسانند.

۵- به لبخند این دسته از افراد توجه کنید!! یک لبخند تمام عیار نیست و بیشتر شبیه به یک لبخند بیجا و ابلهانه است و تنها ماهیچه های محدودی از صورت را به خود اختصاص می دهد.

۶- برخی دیگر از افراد در هنگام دروغ گفتن به شدت دچار تعریق می شوند. وقتی از افراد دروغگو زیاد سوال پرسیده شود عصبانی می گردند و به این ترتیب شدت تعریق شان زیاد می شود اگر فکر میکنید طرف مقابل شما در حال دروغ گفتن است سعی کنید از او چندین سوال مشابه پرسید و واکنش او را مورد ارزیابی قرار دهید.

۵- در قرآن و روایات

۱- نفاق: پیامبر (ص): «دروغ، دری از درهای نفاق است.»^{۱۱} یعنی انسان منافق دروغگو است.

۲- شایعه پراکنی: «بر حذر باش از هر کاری که هرگاه از کننده آن پیرسند، آن را انکار کند یا از آن عذر بخواهد. ناموس خود و آنچه را جای ستودن و نکوهش از توست، نشانه تیرهای گفتار قرار مده و هر چه شنیدی، به مردم مگو؛ زیرا این، دلیل بر دروغگویی است و آنچه مردم به تو بگویند، رد مکن و دروغ مپندار که این هم، دلیل بر نادانی است.» (نهج البلاغه، حکمت ۶۹)

۳- از بین رفتن ایمان: امام محمد باقر (علیه السلام) می فرماید: «دروغ خانه ایمان را ویران می سازد.»^{۱۲} به نظر بنده این حدیث به این مطلب اشاره دارد که یکی از علایم و نشانه های انسان دروغگو کم بودن ایمان در فرد است اگر می خواهید ببینید راست می گوید یا دروغ میگوید به ایمان او نگاه کنید.

۴- بی اعتباری: حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «کسی که به دروغ گویی معروف شد، اعتماد مردم به او کم می شود.» (مستدرک الوسائل، جلد ۲ صفحه ۱۰۱) انسانی که دروغ می گوید در نزد مردم بی اعتبار است و این یکی از نشانه های فرد دروغگو است.

۵- کم شدن حافظه: امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «از مواردی که خداوند به زیان دروغ گو کمک می نماید، فراموشی است.» (شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۷، صفحه ۲۴۵) آن جا که دروغ گو مرتباً برخلاف واقعیت و حقیقت سخن می گوید، ممکن است در مجالس مختلف حرف های ضد و نقیضی بزند و نفهمد که این حرف را قبلاً طوری دیگر بیان کرده و در نتیجه همه متوجه دروغ او می شوند.

ج) آسیب ها یا پیامد های دروغ

۵- روانشناسی:

یک - ناراحتی درونی: روح و روان فرد دروغگو از شرّ و زیان دروغش در امان نیست دروغگو همواره از ناراحتی درونی رنج میبرد؛ زیرا راستی، حقیقتی است که وجود دارد و راستگو از آن خبر میدهد، در حالی که سخن دروغ، ساخته و

^{۱۱} میزان الحکمه، ح ۱۷۳۸۸

^{۱۲} «ان الکذب هو خراب الايمان»؛ اصول کافی، ص ۳۳۹



پرداخته فرد دروغگوست و واقعیتی برای آن وجود ندارد. از این رو، دروغگو باید همواره مراقب باشد ساخته ذهنی خود را فراموش نکند تا مبادا وقت دیگران را به گونهای متفاوت با آنچه گفته است بیان کند و دروغش آشکار شود.

دو - فراموشی: فراموشی نیز یکی از بیماری های روانی است که دروغگو بدان گرفتار میشود. انسان دروغگو، دروغی را که میگوید به یادش نمی ماند و هنگامی که بار دیگر خواست از آن سخن بگوید، به شکلی دیگر میگوید و در نتیجه، دروغش برملا میشود. عامل دیگر فراموش کاری دروغگو آن است که کسی که همواره دروغ میگوید، به دروغ خود نیز چندان اهمیت نمیدهد. دروغ برای او کاری عادی است و هر زمان که میخواهد، به راحتی دروغ میگوید و دروغهای او پایان نمیدارد. در نتیجه، حرفهایش را کمتر به ذهن میسپارد و فراموش میکند.

سه - نومیدی: وقتی دروغی از دروغگو کشف شد، ضربه ای به او وارد می آید؛ زیرا نه تنها به خواسته اش از دروغ گفتن نرسیده، بلکه نتیجه ای برخلاف آن گرفته است. بدین ترتیب، یکی از دو حال نصیب دروغگو میشود:

اول - روحیه اش سست و تصمیم گرفتن برای او دشوار شده و او از رسیدن به کامیابی ها نومید میشود؛ زیرا تنها راهی که می پنداشته او را به مقصد میرساند، دروغ بوده که آن هم بسته شده است. او اگر به شایستگی رفتار میکرد، از راه درست به مقصودش میرسید و به دروغ گفتن پناه نمببرد. با این حال، راه درست که بر او مسدود بود راه دروغ هم که سد گردید، اکنون به چه وسیلهای به منظور خود برسد؟

دوم - نومیدی بر او چیره میشود و سرانجامی ناخوشایند در انتظار اوست.

چهار - از بین رفتن شرم و حیایی (تفاوت شدن): وضع دیگری که ممکن است بر اثر کشف دروغ نصیب دروغگو شود، پرده دری و بی شرمی است. اگر کشف دروغ، روحیه دروغگو را سست نکند و او همچنان به دروغگویی ادامه دهد، بی آبرویی های در پی، شرم را از او میگیرد و او به دروغگویی حرفهای تبدیل میشود و دیگر، از آنکه دروغش آشکار شود، ابایی ندارد. با خود میگوید، آب که از سرگذشت، چه یک من، چه صد من؛ من که گناهم برملا شد و دروغ برای پنهان ساختن آن سودی نبخشید و رسوایم ساخت، حال هر چه میشود، بشود.

پنج - دروغ، دروغ میزاید: دروغگو برای حفظ دروغ خود مجبور است باز هم دروغ بگوید او یا باید همان دروغ نخستین را دوباره بگوید و بر آن تأکید کند یا باید دروغ دیگری بسازد که از کشف دروغ نخستش جلوگیری کند. در هر دو صورت، بر اثر یک دروغ، دروغهایی دیگر میگوید علاوه بر این گاهی نیز برای حفظ دروغ او، اطرافیانش نیز به دروغگویی میافتند.

شش - بدگمانی: زیان روانی دیگری که گاه بر اثر دروغ دامن دروغگو را میگیرد، بدگمانی به مردم است. این بیماری روانی در پی دو چیز، در دروغگو مسکن میگیرند: یکی آنکه چون خود برخلاف حقیقت سخن میگوید، درباره دیگران نیز چنین نظری دارد و البته دیگران را مانند خود پنداشتن، ناشی از طبیعت بشری است. به همین علت است که کسی که به راستگویی عادت دارد، نخستین بار با هر کس روبرو میشود، سخن او را راست میپندارد. دومین عامل بدگمانی دروغگو به دیگران، واکنش اطرافیان در قبال کارهای اوست. او وقتی میبیند دیگران به او خوشبین نیستند و اعتماد ندارند، او نیز به



آنان بدبین میشود و اعتماد نمیکند. در واقع تعصب و خودخواهی دروغگو نیز سبب میشود که در برابر این رفتار مردم، او نیز مانند آنان رفتار کند و به آنها با دیده بدگمانی بنگرد

- در آیات و روایات:

۱- بی اعتباری دروغ گو: دروغ به اعتماد اجتماعی لطمه می زند و موجب اختلال در روابط بین افراد شده و بدبینی را بین آنان پدید می آورد. همچنین فاش شدن دروغ شخص مبتلا، باعث می شود تا آبروی او بریزد و ارزش و اعتبار خود را از دست بدهد. در این باره امام جعفر صادق (علیه السلام) از قول حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «هر کس زیاد دروغ بگوید، ارزش و اعتبارش بر باد می رود.»¹³ حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «سزاوار است که مسلمانان از دوستی و برادری با دروغ گو اجتناب کنند؛ زیرا او آنقدر دروغ می گوید، که راستش را هم باور نمی کنند.»¹⁴ امام صادق (علیه السلام) قَالَ: لَا تَمَزَحْ فَيَذْهَبَ نُورُكَ وَلَا تَكْذِبْ فَيَذْهَبَ بَهَاؤُكَ الْخَبْرَ. شوخی مکن تا نورت رود و دروغ مگو تا ارزشت رود.¹⁵

۲- از بین رفتن ایمان دروغ گو: انسانی که دروغ می گوید برای برآورده شدن خواسته های خود باید به مرور زمان دروغ بگوید و این مسیر را برای سایر گناهان هموار می کند. امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «دروغ ایمان را زایل می کند.»¹⁶

۳- زمینه سازی برای گناهان: چه بسا انسان دروغ گو برای پوشاندن دروغش مجبور شود گناهی دیگر انجام دهد؛ مثلاً به کسی تهمت بزند و کاری را که خود کرده است به دیگری نسبت دهد. در بدی دروغ همین بس که امام صادق (علیه السلام) آن را بدتر از شراب دانسته است.¹⁷

۴- کفر ورزیدن: گاهی دروغ انسان را به کفر می کشاند، زیرا وقتی انسان به فسق و فجور و نقض قوانین و نفاق رو می آورد، زمینه کفر ورزیدن به خدا و تخطی از فرمان در او فراهم می شود. شخصی به محضر پیامبر (ص) رسید و پرسید: کار دوزخیان چیست؟ فرمود: دروغ گویی؛ دروغ، انسان را به فاجری و پرده دری می کشاند و چون فاجر شد، کافر می گردد و جای انسان کافر در آتش است.¹⁸

۵- کم شدن حافظه: همانطور که در نشانه های دروغگو آمده یکی از پیامدهای دروغ کم شدن حافظه است.

۶- بی آبرویی: دروغ های زیادی که از دروغگو کشف شد، باعث رسوایی مکرر می گردد، بی آبرویی نصیبش میشود. رسوایی دروغگو، کشف دروغ اوست و بی آبرویی دروغگو، بیحیثیت و بیارج شدن اوست.¹⁹ رسول خدا (ص) فرمود: کم

13. اصول کافی، ج ۶، ص ۱۲۰

14. همان، ج ۲، ص ۳۶.

15. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، ج ۷۳، ص ۵۸

16. ان الكذب هو خراب الايمان؛ همان، ص ۲۳۱.

17. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۳۲.

18. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۱.

19. صدر، سیدرضا؛ دروغ، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸، چاپ دوم، ص ۱۰۰



آبروترین مردم کسی است که دروغ میگوید.²⁰ فقر: راستی و درستی، ثروت را میافزاید؛ چون دارنده آن ایجاد اعتبار میکند. دروغگویی سرمایه را راكد نگاه میدارد، زیرا نه تنها جلوگیری از پیدایش اعتبار میکند، بلکه اعتبار موجود را نیز میبرد و کسی به وعده با او معامله نمیکند، چون اعتبار ندارد. به وعده دروغگو اعتماد نمیشود چون اعتماد کردن به او بر خلاف عقل است. امیرالمومنین علی (ع) میفرماید: عادت به دروغ، فقر میآورد.²¹

۷- پرده دری و بی شرمی: اگر کشف دروغ، روحیه دروغگو را متزلزل نکند و او همچنان به دروغگویی ادامه دهد، کشفهای بی دری، شرم را از او میبرد و وی را دروغگوی حرفهای میسازد و دیگر، از آنکه عیش آشکار شود، ابایی ندارد. با خود میگوید: مردم همه مرا شناخته اند. پنهان ساختن دیگر چه سودی دارد و دیگر نه از ارتکاب گناه ابایی دارد و نه از فاش شدن آن. امام معصوم (ع) فرمود: از دروغ پرهیزید، سرانجام دروغ، پرده دری است و سرانجام پرده دری آتش دوزخ است.²²

۸- عذاب قبر: امیرالمؤمنین و قَالَ عَ لَيْهِ السَّلَامُ: عَذَابُ الْقَبْرِ مِنَ النَّمِيمَةِ وَالْغِيْبَةِ وَالْكَذْبِ (عذاب قبر بسزای سخن چینی و غیبت و دروغ است).²³

۹- کم شدن فرزندان: امام صادق علیه السلام: «الْيَمِينُ الْكَاذِبَةُ تُورِثُ الْعَقَبَ الْفَقْرَ» (سوگند دروغ، کم شدن فرزندان را به دنبال آورد).²⁴

۱۰- باطل شدن روزه: امام صادق علیه السلام: «إِنَّ الْكُذْبَ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى الْأَنْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يُفْطِرُ الصَّائِمَ» (دروغ بستن بر خدا و بر ائمه عليهم السلام روزه را باطل میکند).²⁵

۱۱- ویران شدن شهرها: پیامبر اکرم (ص): «الْيَمِينُ الْفَاجِرَةُ تَدْرُ الدِّيَارَ مِنْ أَهْلِهَا بِلَاقِعٍ» (قسم دروغ شهرها را ویران، واز ساکنین اش تهی میسازد).²⁶ در این مورد چون اعتماد افراد بر اثر دروغ بهم کم شده باعث می شود شهرها ویران شود.

۱۲- حرام شدن بهشت: امام باقر (ع) مُحْرَمَةُ الْجَنَّةِ عَلَى الْقَتَاتَيْنِ الْمَشَاءَيْنِ بِالنَّمِيمَةِ. (بهشت بر دروغ تراشانی که برای سخن چینی روند حرام است).²⁷

د) درمان دروغگویی در اسلام و روانشناسی

۱- پرهیز از دروغ ناچیز: امام سجاد (ع) می فرمود: از دروغ کوچک و بزرگ بر حذر باشید، چه در شوخی و چه در حال غیر شوخی. زیرا شخصی که از دروغ کوچک باکی نداشته باشد جرأت گفتن دروغ بزرگ را نیز پیدا میکند.

20. محدث نوری؛ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۰۲۹۵.

21. قمی، شیخ عباس؛ سفینه البحار، تهران، فراهانی، ج ۷، ص ۴۵۵.

22. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۰۲۹۰.

23. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، ج ۷، ص ۲۵۹.

24. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال / ترجمه حسن زاده؛ ج ۱، ص ۵۲۳.

25. من لا يحضره الفقيه / ترجمه بلاغی و غفاری ج ۲، ص ۴۳۶.

26. من لا يحضره الفقيه / ترجمه بلاغی و غفاری ج ۶، ص ۳۱۶.

27. اصول کافی / ترجمه آیت اللهی؛ ج ۴، ص ۱۳۱.



- ۲- نقل بر اساس سند: امام علی (ع): وقتی چیزی را نقل میکنید مدرک و ماخذ آن را نیز ذکر کنید. در این صورت اگر آن خبر درست بود به نفع شماست و اگر دروغ بود ضررش به شما نمی رسد بلکه متوجه مأخذ می شود.
- ۳- توجه به آثار ترک دروغ: پیامبر اکرم (ص): من خانه ای را در آغاز وسط و بالای بهشت در اختیار دارم از برای کسی که از جدال پرهیز کند و از دروغ نیز برکنار باشد ولو به شوخی و کسی که خوش اخلاق باشد.
- ۴- توجه به نشانه های ایمان: حضرت علی (ع): از نشانه های ایمان راستگویی است. اگرچه به زبان آدمی تمام شود²⁸.
- ۵- پرورش شخصیت: یکی از مؤثرترین راههای درمان دروغ، پرورش شخصیت است؛ زیرا چنان که گفته شد یکی از انگیزه های روانی روی آوردن به دروغ، احساس خودکم بینی و کمبود شخصیت است. افرادی که به این مشکل دچار هستند، دروغ گفتن را راهکاری برای جبران این کمبود میدانند. اگر افراد دروغگو استعدادهای درونی خود را بشناسند و بدانند که با پرورش آنها میتوانند ارزش و مقام خود را بالا ببرند، دیگر نیازی به دروغ نمیینند.
- ۶- بیان جایگاه والای راستگویان: باید افراد دروغگو را به این باور رساند که ارزش اجتماعی کسی که با راستگویی توانسته است اعتماد اطرافیانش را به دست آورد، بالاترین ارزش هاست و چنین کسی سرمایه معنوی بزرگی از احترام اجتماعی در اختیار دارد که هیچ سرمایه مادی نمیتواند با آن برابری کند. انسان راستگو نه تنها میان هموعان خود محترم است، در پیشگاه خداوند نیز مقام بسیار بالایی دارد، چنان که در قرآن مجید، راستگویان همردیف پیامبران و شهیدان معرفی شدهاند. و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند (در روز رستاخیز) همنشین کسانی خواهند بود که خدا نعمت خود را بر آنان تمام کرده، از پیامبران و راستگویان و شهدا و صالحان و آنها همنشینان خوبی هستند²⁹.
- ۷- از بین بردن عوامل زمینه ساز در دروغگویی: باید ریشه های این انحراف اخلاقی مانند طمع، ترس، خودخواهی، حب و بغض های بی اندازه و مانند آن را خشکاند تا این صفت خطرناک زمینه مناسبی برای رشد در وجود انسان پیدا نکند.
- ۸- همنشینی با افراد راستگو: یکی از دلایلی که افراد دروغ می گویند این است که با دروغگویان دوست هستند و برای آنکه خود را نشان دهند مثل آنها دروغ بگویند پس برای ترک دروغگویی باید با افراد راستگو هم نشین شد همانطور که رسول خدا (ص) فرمودند: انسان بر دین دوستش خواهد بود، بنابراین هر یک از شما دقت کند که با چه کسی دوست می شود.³⁰
- ۹- ایجاد آرامش در محیط زندگی: بعضی افراد به علت اضطراب و یا ترس از سرزنش و توهین دیگران دروغ می گویند بنابراین باید با چنین افرادی صحبت کرد تا محیطی بدون تحقیر و استهزا فراهم کنند تا فرد مجدد دروغ نگوید.
- ۱۰- تقویت اعتماد به نفس: افراد به علت ضعف اراده ی خود دروغ می گویند بنابراین باید تکنیک هایی را به این افراد یاد داد تا اعتماد به نفس شان تقویت شود و برای نشان دادن خود مجبور به دروغ گفتن نشوند.

²⁸ www.seemorgh.com.

²⁹ انشاء: ۶۹

³⁰ بحارالانوار جلد ۷۴ صفحه ۱۹۲



بحث و نتیجه گیری

در این مقاله به علت ، علائم ، آسیب ها و درمان دروغگویی در اسلام و روانشناسی پرداختیم علت دروغگویی از منظر روانشناسی ناشی از تربیت ناصحیح ، بد کارکردی در مغز ، ترس ، اجبار ، الگوهای نامناسب و نیازهای ارضا نشده بود؛ از منظر اسلام تخیل ، آرزو ، ترس بخصوص ترس از فقر ، فخر فوشی و هوای نفس ، ضعف ایمان و جلب توجه از علت های دروغگویی به شمار می آید ؛ از علائم دروغگویی در روانشناسی میتوان به تغییرات در سیستم زیستی افراد و یکسری حرکات بدن اشاره کرد و از منظر اسلام نفاق ، شایعه پراکنی ، از بین رفتن ایمان ، بی اعتباری و کم شدن حافظه می توان اشاره کرد ؛ از آسیب های دروغ در روانشناسی میتوان به ناراحتی و غم درونی ، فراموشی ، نومیدی ، تصمیم گیری مشکل ، از بین رفتن حیا ، بدگمانی و افزایش دروغگویی اشاره کرد و از منظر اسلام میتوان به بی اعتباری دروغگو ، نابودی ایمان ، زمینه سازی گناهان ، کفر ورزیدن ، بی آبرویی ، کاهش قدرت حافظه ، باطل شدن ورزه ، ویران شدن شهرها ، کمبود فرزند ، حرام شدن بهشت ، بی شرمی و عذاب قبر اشاره کرد برای درمان دروغگویی در اسلام و روانشناسی بنظر می رسد یک درمان مشترک وجود داشته باشد و آن هم افزایش اعتماد به نفس و پرورش شخصیت است البته در این زمینه هم شاهد تفاوت هایی هستیم مثلا همنشینی با افراد صالح ، بیان جایگاه والای راستگویان ، پرهیز از دروغ ناچیز ، نقل براساس سند در اسلام اشاره کرد و در روانشناسی توجه به راستگویی و درمان های روانشناختی برای کمرنگ و نابود کردن این مساله پرداخت .



منابع

ارشادالقلوب

الاصفهانى، الراغب؛ مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دارالقلم، ١٤١٢، الطبعة الاولى
ابن منظور؛ لسان العرب، لبنان- بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤١٩، طبعه الثالثه، الجزء الثانى عشر.
امين، محمد؛ آفات زبان، تهران، افست كيا،
ابن بابويه، محمد بن على؛ من لا يحضره الفقيه، تهران، صدوق، ١٣٦٩-١٣٦٧
الحرانى، ابن محمد الحسن بن على بن الحسين بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، قم، انتشارات شفق.
أمالى صدوق

اختصاص مفيد

تميمى آمدى، عبدالواحد، شرح غررالحكم و دررالكلم، ترجمه و شرح: جمال الدين محمد خوانسارى، انتشارات دانشگاه تهران، ١٣٧٣
بالايان، روان شناسى كودك به زبان ساده، اصفهان، انتشارات مشعل، ١٣٧٠.
حسن حر عاملى، وسائل الشيعه، قم، مؤسسه آل البيت، ١٣٧٢
جامع السعادات
خمينى، روح الله، چهل حديث
روزنامه همشهرى، سال اول، شماره ١٥٢، تير ١٣٧٢.
روزنامه همشهرى، «دردسر آفرينى دروغگو»، سال اول، شماره ٢٥٣، آبان ١٣٧٢
دستغيب، سيد محمد هاشم؛ گناهان كبيره، دارالكتاب، ١٣٨٦
سرورى، محمد حسين، قلمرو روان شناسى، تهران، نشر نكته، ١٣٧١
شرح غررالحكم و دررالكلم
شعرانى، ابوالحسن؛ نثر طوبى، تهران، انتشارات اسلاميه.
شيخ انصارى، مكاسب محرمة
شيخ حر عاملى؛ وسائل الشيعه، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ١٤٠٩ هجرى
كشف الغمه
كلينى، محمد بن يعقوب؛ اصول كافي، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٣
غرر الحكم،
عبدالله شبر، اخلاق عبادى
فيض كاشانى، ملا محسن؛ المحجّة البيضاء، قم، دفتر انتشارات اسلامى.



قمی، شیخ عباس؛ سفینه البحار، تهران، فراهانی، ۱۳۶۳

قرآن کریم

فروع کافی،

صدر، سیدرضا؛ دروغ، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸

علی قائمی، تربیت و بازسازی کودکان، انتشارات امیری، پاییز ۱۳۷۴

مهردوی کنی، محمد رضا؛ نقطه هایی آغاز در اخلاق عملی

مستدرک الوسائل .

مشکاة الانوار طبرسی

من لا يحضره الفقيه، جلد ۴

مرکز فرهنگ و معارف قرآن؛ برگزیده فرهنگ قرآن، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش، چاپ اول.

معلوف، لويس، المنجد في اللغة، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۸۰، چاپ دوم.

مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، بیروت، لبنان، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳

محدث نوری؛ مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸

مشکینی؛ نصایح، ترجمه آیه الله جنتی، قم، انتشارات الهادی، ۱۳۸۶

محدث نوری؛ مستدرک الوسائل

مکارم شیرازی، ناصر، زندگی در پرتو اخلاق، نشر سرور، ۱۳۷۸.

محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۷

نراقی؛ احمد؛ معراج السعادة، تهران، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۸۶

نهج الفصاحه، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۰

نهج البلاغه، ترجمه و شرح: فیض الاسلام، علی نقی، تهران، ۱۳۶۲

وسائل الشیعه.